

76- ادامه م ۲۷ و م ۲۸ (حصول الاستطاعة بالاباحة اللازمة) - ۸۵/۱۲/۰۵

بحث در مسئله ۲۷ از مسائل استطاعت بود. در فرع اول بیان شد که اگر قبل از اتمام اعمال استطاعت از بین برود حجّ الاسلام نیست.

فرع دوم جایی بود که بعد از اتمام اعمال، نفقه عود یا مابه الکفایه از بین برود که محلّ کلام است. بیان شد که مرحوم صاحب مدارک و صاحب ذخیره و مرحوم صاحب عروه و جمعی از محشّین عروه حجّ چنین کسی را صحیح می دانند. در مقابل جمعی از محشّین عروه قائل به عدم اجزا هستند. دلیل قائلین به عدم اجزا این بود که استطاعت حدوثاً و بقاءً شرط است و قائلین به اجزا هم به دلایلی تمسّک کرده اند که دلیل اول روایات باب ۲۶ و دلیل دوم سکوت نصوص از چیزی بود که باید از لسان ائمه تذکر داده می شد و تذکر داده نشده است.

۳- هزینه بازگشت جزء استطاعت نیست:

استطاعت فقط هزینه رفتن است و رجوع جزء «من استطاع إلیه سبیلاً» نیست، پس از کجا می گویند که هزینه بازگشت لازم است؟

به ادله نفی عسر و حرج به این بیان که اگر به این شخص بگویند چون هزینه رفتن را داری به حج برو ولو در برگشتن به گدایی می افتی، این عسر و حرج است و شارع مقدّس این را نمی گوید، پس هزینه رفتن به دلیل استطاعت و هزینه برگشتن به دلیل نفی عسر و حرج لازم است و همچنین است در ناحیه عود الی الکفایه یعنی به دلیل نفی عسر و حرج است.

در ما نحن فیه ادله عسر و حرج شامل نمی شود، چون ادله عسر و حرج در مورد کسی است که از اول می خواهد حرکت کند که باید مطابق آن هزینه بازگشت را داشته باشد اما حالا که رفته و در برگشتن پولش را زده اند ادله عسر و حرج شامل آن نمی شود، چون این ادله جنبه امتنانی دارد و اینجا امتنانی نیست.

توضیح ذلک: ادله لاضرر و لا حرج جنبه امتنانی دارد و جاهایی که امتنان شاملش نمی شود، آن ادله را باید تخصیص زد، مثلاً کسی که روزه برایش ضرر و حرج است نباید روزه بگیرد و اگر روزه بگیرد باطل

است اما اگر نمی دانست ضرر و حرج است و بعد از روزه گرفتن آثار ضرر و حرج نمایان شد، چون ادله لاضرر و لا حرج تابع ضرر و حرج واقعی است و این روزه هم واقعاً ضرر و حرج داشته است آیا روزه این شخص باطل است؟

خیر شامل این موارد نمی شود چون منتهی ندارد که به او بگویند به خاطر لاضرر و لاحرج که منت الهی است با این که زحمت روزه کشیدی، دوباره قضا کن، این امتنانی نیست و کار را سنگین می کند، بنابراین می گویند ادله لاضرر و لا حرج جایی را که بعداً متوجه ضرر و حرج شده شامل نمی شود، چون اگر شامل شود یک بار اضافی بر دوش او می گذارد در حالی که لاضرر و لاحرج باید بار بردارد تا منت باشد. حال در ما نحن فیه این شخص حجّش را به جای آورده و زحمتش را کشیده و پول هم داشته ولی در مسیر برگشت اموالش ربوده شده، اگر بگوییم لاضرر شامل او می شود و حجّش حجه الاسلام نبوده منتهی نیست چون باید سال آینده قضا کند و این خلاف منت است پس چون ادله لاضرر و لاحرج بعد از انجام عمل خلاف منت است شامل نمی شود، چرا که این شخص در رفتن مستطیع بوده و حجّش صحیح بوده و در برگشت اگر به زحمت بیافتد مانعی ندارد و دلیلی نداریم که حجّش باطل شود. (البته ما هزینه برگشت را هم جزء استطاعت می دانیم و این دلیل به درد ما نمی خورد).

۴- استطاعت در حج لازم است:

به نظر ما از همه بهتر است و با وجود آن جای تعجب است که بعضی از بزرگان فتوا به بطلان داده اند. مطابق آیه «لله على الناس حج البيت من استطاع إليه سبيلاً» استطاعت در حج لازم است، یعنی من استطاع در حج، پس این شخص وقتی حرکت کرد پول رفت و برگشت و رجوع به کفایت را تا آخر حج داشت حال که حجّش تمام شده از غنا افتاده و موضوع عوض شده است پس دلیلی نداریم که حج باطل شود در حالی که حج را در حال غنا انجام داده است. و غایه ما استفاد من الدالة؛ این است که حاجی باید از سه جهت غنی باشد و این شخص از هر سه جهت غنی بوده و بعد موضوع عوض شده و تبدل موضوع باعث بطلان حج او نمی شود. و ممّا يؤيد ذلك؛ در رجوع به کفایت خواهیم گفت که باید وقتی از حج بر می گردد زندگی اش تأمین

باشد و اندازه ای برای آن معین نشده که تا چه وقت زندگیش تأمین باشد اگر فرض کنیم معیار خرج سال است و چنین شخصی بعد از برگشتن از حج تا یازده ماه مخارج را داشته باشد و بعد از آن دزد اموالش را ببرد باید بگوییم که حجّش باطل بوده است در حالی که احدی چنین نمی گوید، پس اگر بعد از انجام اعمال اموالش را ببرند ضرری به حج نمی زند.

نتیجه: حج این شخص صحیح است و دلیل استطاعت، استطاعت در حال حج را می گوید ولو استطاعت مخارج برگشتن و رجوع به کفایت را هم شامل است ولی همه اینها را تا آخر حج داشته و بعد از اتمام حج مالش را برده اند و اینها داخل در ادله استطاعت نیست چون لوازمی دارد که احدی به آن ملتزم نمی شود.

مسألة ۲۸: لو حصلت الاستطاعة بالاباحة اللازمة (مثل اباحه به ذی رحم یا معوضه و یا در ضمن عقد خارج لازم شرط شده است، آیا اباحه لازمه در استطاعت کافی است یا ملکیت شرط است؟) وجب الحج (دو قول دیگر هم در مسئله داریم) ولو اوصی له بما یکفیه له فلا یجب بمجرد موت الموصی (چون تا قبول نکند ملک او نمی شود و شرط آن قبول است و قبول هم برای اباحه شرط است و هم برای تملیک) کما لایجب علیه القبول.

عنوان مسئله:

مرحوم صاحب عروه این مسئله را به صورت دو مسئله جداگانه (۳۰ و ۳۱) ذکر کرده است.

فرع اول: آیا استطاعت با اباحه لازمه حاصل می شود؟

در قسمت اول مسئله که مطابق مسئله ۳۰ عروه است بحث در این است که آیا ملکیت در زاد و توشه و

هزینه های حج شرط است یا اباحه لازمه هم کافی است؟

در مسئله سه قول است:

۱- اباحه مطلقا کافی است حتی اگر غیر لازمه باشد مرحوم آقای خویی به این قول قائلند همان گونه که

در حج بذلی اباحه است و با این که اباحه لازمه نیست مستطیع می شود.

۲- اباحه چه لازمه و چه غیر لازمه کافی نیست و ملکیت شرط است که قول آیه الله حکیم در حاشیه عروه و مستمسک است.

۳- اباحه اگر لازمه بود مستطیع است و اگر لازمه نبود مستطیع نیست.

اقوال:

از علمای عامّه کمتر کسی متعرّض این مسئله شده است. یکی از فقهای عامّه به نام علاء الدین ابن مسعود

کاشانی (قرن ۶ هجری) در کتاب بدایع الصنایع متعرّض این مسئله شده و می گوید:

و منها (شرایط الوجوب) ملک الزاد و الراحله فی حقّ النائی عن مکّه (کسانی که از مکّه دور هستند) ... فقد

قال عامّة العلماء إنّ شرط (ملکیت را همه فقهای عامّه شرط می دانند) فلا یجب الحجّ بإباحه الزاد و الراحله

سواء كانت الاباحه ممّن له منّة علی المباح له أو كانت ممّن لا منّة له علیه کالأب (مثل این که پدر چیزی

بدهد که منت ندارد) و قال الشافعی یجب الحجّ باباحه الزاد و الراحله إذا كانت الاباحه ممّن لا منّة له علی

المباح له. (۱)